

میزگرد مشترک ایران و ترکیه

دومین میزگرد مشترک دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی با مؤسسه مطالعات استراتژیک ترکیه در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ با شرکت جمعی از محققان دو مؤسسه در محل دفتر مطالعات برگزار گردید و مهمترین مباحث منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. ریاست هیأت ترکیه‌ای را در این میزگرد آقای سلیمان شنسوی رئیس مؤسسه مطالعات استراتژیک آسیایی برعهده داشت و آقای مراد بیلهان معاون مؤسسه و آقای وورال آلتین عضو هیأت مدیره مؤسسه وی را همراهی می‌نمودند. از ایران آقای دکتر موسوی، مدیر کل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، آقای کلاتتری رئیس مرکز مطالعات آسیا و اقیانوسیه، آقای دکتر صادقی، رئیس مرکز مطالعات آمریکا، آقای مرادی، رئیس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز و آقای نمینی، رئیس اداره سوم مشترک‌المنافع به همراه جمعی از رؤسای مراکز و محققان دفتر مطالعات و وزارت امور خارجه حضور داشتند. اهم مباحث مطرح‌شده در این میزگرد به شرح زیر است:

دیدگاه محققان ترکیه

آقای سلیمان شنسوی: برای درک سیاست خارجی اوپاما لازم است نگاهی به گذشته داشته باشیم. پس از فروپاشی شوروی دنیا به شکل تک‌قطبی درآمد. این وضعیت تا ۱۱ سپتامبر ادامه داشت. اما پس از آن موازنه قدرت در عرصه بین‌المللی تغییر یافت. کلینتون موفق‌ترین سیاست خارجی را داشت. وقتی وی دولت را در آمریکا تحویل بوش داد، این کشور ۴۰۰ میلیارد دلار مازاد تجاری داشت. ولی در دوره بوش ایدئولوژی بر سیاست خارجی این کشور حاکم شد. پس از ۱۱ سپتامبر بوش علناً یک جنگ صلیبی جدید راه انداخت. بر این اساس مداخله در افغانستان در راستای منافع آمریکا صورت پذیرفت. اما در عراق چنین نشد و ما شاهد تأثیرگذاری

لابی‌ها بر سیاست خارجی آمریکا در دوران بوش بودیم. در دوره بوش سیاست خارجی آمریکا ضعیف‌تر عمل کرد، اعتبار بین‌المللی آن به زیر سوال رفت و اقتصاد این کشور فلج گردید.

از نظر اقتصادی اگر به آمارهای سال ۲۰۰۸ نگاه کنیم، از ۲,۲ تریلیون دلار بودجه، ۹۶۶ میلیارد دلار آن از بین رفته است. سیاست بوش موجب افزایش قیمت نفت گردید که به نفع کشورهای صادرکننده بود. این درحالی بود که برخی کشورها از جمله چین، هند و برزیل رشد بیشتری یافتند و روسیه به تجدید قدرت نظامی و اقتصادی خود پرداخت. انتخابات آمریکا در چنین شرایطی برگزار گردید و بحران اقتصادی و شکست نظامی در پیروزی آقای اوپاما نقش داشت.

آمریکا سالانه یک تریلیون دلار کسری موازنه تجاری دارد که ۲۵۸ میلیارد آن مربوط به چین است. این کشور نمی‌تواند به طور مداوم در این حد کسری بودجه داشته باشد. مشکلات اقتصادی آمریکا عمیق است اما عمق آن منعکس نمی‌شود.

آقای اوباما تلاش دارد آنچه را که آمریکا از دست داده به خصوص اعتبار این کشور را مجدداً به دست آورد. در این راستا در صدد احیای وجهه این کشور در جهان اسلام است و سفر وی به ترکیه نیز در این راستا صورت پذیرفت. اوباما اهمیت زیادی به دیپلماسی عمومی می‌دهد. در این راستا توسعه روابط میان کارفرمایان، جوامع دانشگاهی، سازمان‌های غیردولتی و بخش‌های تجاری اهمیت می‌یابد. گفته می‌شود آمریکا در صدد است کل سفارت‌خانه‌های خود را به صورت مرکز دیپلماسی عمومی درآورد و پرونده‌های امنیتی را در بخش‌های خاص متمرکز سازد.

در حال حاضر ما در یک نقطه عطف قرار داریم. در این دوره همکاری ایران و ترکیه اهمیت بیشتری می‌یابد. عناصر قدرت در رقابت با هم قرار گرفته‌اند و در این فضا روابط ایران و ترکیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این شرایط تنها همفکری کافی نیست. دو کشور باید در عین رقابت سازنده مکمل هم باشند و این به نفع منطقه و جهان است. مسائل ذهنی را باید کنار بگذاریم و همکاری‌های عینی را توسعه دهیم.

برخورداری اوباما از حمایت اکثریت مردم این کشور این اعتماد به نفس را در وی ایجاد می‌کند که راه درستی را در پیش گرفته است. اما به نظر نمی‌رسد که وی موفق شود. آنچه وی تلاش دارد تغییر دهد سبک سیاست آمریکا است و نه محتوای آن. کنترل منابع انرژی، حضور

در همه جا، بهبود روابط با روسیه و مدیریت قدرت‌های جدید از جمله منافع آمریکا است.

آقای مراد بیلهان: سیاست آمریکا در دوره اوباما بر پاکستان و افغانستان متمرکز شده است. افغانستان و ایران مهمترین اولویت آقای اوباما به شمار می‌روند. در افغانستان، آمریکا از محبوبیت برخوردار نیست لذا به کمک ناتو نیاز دارد. ناتو نیز سیاست خود را به ورازی مرزهای سنتی تغییر داده است. در این خصوص، ترکیه توانسته با احترام به ارزش‌های مردم، اعتماد مردم افغانستان را جلب نموده و نقش مهمی در این کشور ایفا نماید. به همین دلیل تا کنون سه بار رهبری نیروهای ائتلاف را برعهده داشته است.

مهمترین مشکل ترکیه در حال حاضر درخواست اوباما برای اعزام نیروی نظامی بیشتر و مشارکت در عملیات نظامی است. نیروهای ترکیه تا کنون در عملیات بازسازی و کمک به مردم فعال بوده‌اند اما آقای اوباما خواستار اعزام نیروی نظامی است و ترکیه با آن مخالف است. در خصوص افغانستان به نظر می‌رسد که سازمان‌های و سازمان کنفرانس اسلامی نیز می‌توانند مورد مشورت قرار گیرند.

خواسته‌های حکومت ایران با آمریکا در تعارض است. اسرائیل نقش مهمی در سیاست آمریکا در قبال ایران ایفا می‌کند و بدون توجه به عامل اسرائیل هیچ تغییر عمده‌ای در سیاست آمریکا در قبال ایران صورت نخواهد پذیرفت. در آمریکا این دیدگاه وجود دارد که هیچ کشوری برنامه هسته‌ای را به عنوان یک برنامه صلح‌آمیز شروع نکرده و لذا آنها صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران را باور ندارند.

همسایگی با مناطق مختلف از جمله اتحادیه اروپا، منطقه بالکان، قفقاز، خاورمیانه، آسیای غربی و ارتباط با

آسیای مرکزی و ناتو می‌طلبند که ترکیه یک سیاست چندبعدی دنبال نماید. بیش از ۶۰ درصد روابط اقتصادی ترکیه با اروپا است و لذا ترکیه نمی‌تواند مسأله عضویت در اتحادیه را کنار گذارد. با این حال بعید است که بتواند طی دو دهه آینده به عضویت آن در آید.

گسترش روابط با سوریه و موضع‌گیری‌های اخیر ترکیه در خصوص غزه و ارمنستان در چارچوب سیاست چندبعدی ترکیه صورت می‌پذیرد. در سال‌های اخیر به دو دلیل روابط ترکیه و سوریه روبه گسترش نهاده است. اول اینکه سیاست آمریکا باعث انسجام بیشتر کشورهای اسلامی گردید. دوم اینکه حمله آمریکا به عراق چالش‌هایی را فراروی کشورهای منطقه قرار داد که همکاری بیشتر را می‌طلبید. لذا تهدیدات مشترک موجب توسعه روابط شد و برای اولین بار مانور نظامی مشترک میان ترکیه و سوریه برگزار گردید.

آقای وورال آلتین: پیام اسلام، عدالت برای همه افراد و ملل است و همین اصل مورد تأکید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز قرار دارد. مسأله عدالت در عرصه بین‌المللی مایه نگرانی است و کمک غرب به تمدن بشری در حوزه عدالت دچار ضعف است. در فضای موجود سه اصل وجود دارد که لازم است مورد توجه کشورهای اسلامی و به خصوص ایران و ترکیه قرار گیرد: دموکراسی، بازار آزاد و توسعه علوم و تکنولوژی.

دولت متمرکز هر چند ممکن است بتواند با سرعت بیشتری به بسیج امکانات پردازد اما افراد را در سایه قرار می‌دهد و مانع از تحقق توانمندی‌های بالقوه آنها می‌شود. در صورتی که گسترش دموکراسی به افراد امکان می‌دهد تا توانمندی‌های خود را محقق سازند. اقتصاد بازار نیز با همه مشکلاتی که دارد، در درازمدت با ثبات‌تر است و فرصت تحقق توانمندی‌های فردی افراد جامعه را فراهم

می‌آورد. نکته سوم اینکه تولید علوم و تکنولوژی حاصل تلاش جمعی است و در فضای دموکراتیک و بازار آزاد بهتر صورت می‌پذیرد.

ایران در زمینه علوم و تکنولوژی کمک زیادی انجام داده و اهمیت آن در این زمینه باید مورد شناسایی قرار گیرد. ترکیه در هر دو سطح مردمی و دولتی از دستاوردهای ایران حمایت می‌کند و تلاش غرب برای محدودسازی تحقیق و توسعه در ایران را بی‌دلیل می‌داند. دو مخالف اصلی ایران، آمریکا و اسرائیل هستند که یکی تجربه استفاده از سلاح هسته‌ای دارد و دیگری عضو ان پی تی نیست. لذا شایستگی مخالفت ندارند.

ترکیه و ایران باید در کنار هم به تقویت دموکراسی در جهان اسلام پردازند. گسترش دموکراسی از طریق ایجاد رعب و وحشت، توهین به دموکراسی تلقی می‌شود. صلح و پیشرفت جهان اسلام و بشریت برای هر دو کشور مهم است و باید در جهت کاهش بی‌سوادی و افزایش رفاه تلاش کنیم. افزایش رفاه از نظر ما به معنی مصرف‌گرایی نوع غربی نیست چرا که منابع جهانی توان تحمل مصرف‌گرایی غرب را ندارد.

ایرانی‌ها گاهی با تردید به سیاست‌های ترکیه می‌نگرند. اما سیاست‌های ترکیه ریشه در دوره جنگ سرد و نظام دو قطبی دارد و این سیاست‌ها در حال تغییر است. ترکیه هیچ تهدیدی برای ایران محسوب نمی‌شود. ما برای همسایگان خود در خاورمیانه و غرب آسیا احترام قائلیم و دو کشور می‌توانند به گسترش دموکراسی، بازار آزاد و توسعه علوم و تکنولوژی در جهان اسلام کمک کنند.

در حوزه انرژی روابط قابل توجهی داریم و می‌توانیم آنرا توسعه دهیم. در حوزه هسته‌ای نیز می‌توانیم همکاری کنیم. ترکیه سعی کرد یک پروژه هسته‌ای راه اندازی

نماید اما به دلیل عدم توسعه مبانی حقوقی و نهادی آن، این پروژه با شکست مواجه شد.

دیدگاه محققان ایرانی

آقای دکتر صادقی: آقای اوباما در خصوص ایران با طرح شعار تغییر، مذاکرات بدون قید و شرط و شروع دوران جدید تلاش کرد نشان دهد که با دیگران تفاوت دارد. اما بیانیه‌های دولت جدید تا کنون فقط بر رهیافت جدید تأکید می‌کند و در عمل نه تنها تغییری مشاهده نمی‌شود بلکه بحث تحریم‌ها و گسترش آنها همچنان مطرح است.

اکنون دو دیدگاه مطرح است: یکی دیدگاه عملگرایانه که معتقد است اوباما مشارکت کمی را با ایران شروع خواهد کرد و راه‌های جدیدی برای کار در زمینه منافع مشترک گشوده خواهد شد. تأکید طرفین بر ایجاد ثبات و امنیت در عراق و افغانستان و حمایت از وحدت عراق و دولت آقای کرزای از جمله زمینه‌های مشترک است.

در مقابل دیدگاه عملگرایانه دیدگاه هشیارانه است که معتقد است هیچ تغییر اساسی صورت نپذیرفته است. آمریکا همچنان در پی سلطه بر منابع انرژی و کنترل کشورهای منطقه است. و بحث گسترش دموکراسی نیز با همین هدف مطرح می‌شود. در آمریکا نیز چنین عنوان می‌شود که ایران در صدد سلطه بر منطقه و اتحاد کشورهای اسلامی علیه آمریکا است. بر اساس این دیدگاه، اوباما هم به ایران به عنوان دشمن نگاه می‌کند و معتقد است به دلیل شکست دیگر راه‌ها، باید از راه‌های دیپلماسی با آن برخورد شود. تلاش برای مهار برنامه هسته‌ای، منزوی سازی ایران و اعمال تحریم‌ها در این راستا تعبیر و تفسیر می‌شود.

در حال حاضر، آمریکا هم راه دیپلماسی را در پیش گرفته و هم زمینه تحریم را آماده می‌کند. در حالی که تهران آمادگی خود را برای گفتگوی سازنده اعلام داشته و در خصوص برنامه هسته‌ای خود طرح جامعی ارائه داده است، آمریکا تلاش می‌کند تا جامعه بین‌المللی را در کنار خود داشته باشد تا در صورت لزوم فشار بر ایران را تشدید نماید. به همین دلیل، تردیدهایی در خصوص تغییر رفتار آمریکا در قبال ایران ابراز می‌شود.

آقای کلانتری: در استراتژی جدید آمریکا تمرکز اصلی بر پاکستان است. در واقع آنها معتقدند آینده افغانستان و پاکستان به هم گره خورده و حل و فصل مشکلات در افغانستان به حل و فصل بحران در پاکستان وابسته است. دشمن اصلی نیز القاعده معرفی می‌شود که می‌بایستی با کمک جمعی به مقابله به آن برخاست.

آمریکا به پاکستان فشار می‌آورد تا اقدامات جدی‌تری علیه طالبان و القاعده به عمل آورد و بدین منظور به صورت دوجانبه از طریق صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و نیز راه‌های گوناگون به این کشور کمک نماید تا دولت این کشور را قادر به مقابله با تروریسم و افراط گرایی نماید. کمک دوجانبه آمریکا شامل سالانه یک و نیم میلیارد دلار کمک آمریکا به مدت ۵ سال می‌باشد. در کنفرانس توکیو نیز کشورها ۵/۳ میلیارد دلار جهت کمک به پاکستان تقبل نمودند. آمریکا کمک دیگری برای مناطق قبائلی در نظر گرفته است که اعلام کرده در جهت بهبود وضعیت زندگی ساکنان مناطق قبایلی پاکستان هزینه خواهد شد.

بعد نظامی استراتژی جدید آمریکا شامل اعزام ۱۷۰۰۰ نیروی نظامی و ۴۰۰۰ مستشار به ترتیب جهت کمک به القاعده و آموزش ارتش افغانستان و پلیس می‌باشد. نکته دیگر تعهد آمریکا برای اتمام تشکیل ارتش

۱۳۴۰۰ نفری و پلیس ۸۲۰۰۰ نفری افغانستان تا سال ۲۰۱۱ می‌باشد.

مشکل کنونی پاکستان این است که ساختار قدرت در پاکستان کارایی گذشته را ندارد. وقتی ارتش نتواند بر القاعده و طالبان پاکستان فائق آید نباید از دولت کنونی چنین انتظاری را داشت. به نظر می‌رسد اظهارات اخیر مقامات آمریکائی دال بر ضعف دولت کنونی و احتمال سقوط آن اشتباه بوده و مشکل آفرین شده است. اگر دولت آمریکا به دنبال ثبات می‌باشد باید به تقویت ونه تضعیف دولت پردازد. سقوط دولت صرف‌نظر از جایگزینی آن می‌تواند تجربه دودهه اخیر در جابجائی مستمر دولت‌ها را به ذهن متبادر سازد که تکرار یک دور باطل خواهد بود. حل مسائل افغانستان بدون ایجاد ثبات در پاکستان امکان‌پذیر نیست و لذا به نفع آمریکا، کشورهای منطقه و جامعه بین‌المللی است که به ایجاد ثبات در پاکستان کمک نمایند.

آقای مرادی: ریشه معضل امنیتی در آسیای مرکزی و قفقاز به اختلافات قومی، بی‌ثباتی سیاسی، مشکلات اقتصادی و رقابت میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بازمی‌گردد. معضلات امنیتی این منطقه تاکنون خود را در قالب جنگ روسیه-گرجستان در اوت ۲۰۰۸، تنش در روابط ناتو با روسیه، اختلاف بر سر منابع آب در آسیای مرکزی، رقابت بر سر خطوط انتقال انرژی و ناتوانی سازمان‌های مختلف در حل و فصل منازعات منطقه‌ای خود را نشان داده است.

حل و فصل معضلات امنیتی تنها از طریق یک سیستم امنیتی مبتنی بر همکاری امکان‌پذیر است. ایجاد چنین سیستمی تأمین‌کننده ثبات و منافع کشورهای منطقه خواهد بود. موقعیت ژئوپلتیک ایران و ترکیه

به‌گونه‌ای است که این دو کشور را به پل ارتباطی آسیای مرکزی و قفقاز به جهان خارج تبدیل کرده است. هر دو نقش مهمی در کمک به ایجاد صلح، ثبات و توسعه در این منطقه ایفا می‌کنند و تقویت همکاری‌ها میان دو کشور به تضمین ثبات، امنیت و توسعه در منطقه کمک خواهد کرد.

آقای نمینی: علت مواضع و اقدامات اخیر ترکیه در خصوص غزه، ارمنستان و سوریه به نظریه عمیق استراتژیک آقای احمد اوغلو وزیر امور خارجه ترکیه بازمی‌گردد. بر اساس این نظریه، هدف ترکیه غرب است اما نقطه عزیمت ترکیه باید از تاریخ و موقعیت ژئوپلتیک آن آغاز شود. موقعیت تاریخی و منطقه‌ای ترکیه برای این کشور یک سرمایه محسوب می‌شود که باید از آن به عنوان یک پشتیبان سیاست‌های خود استفاده کند. ترکیه تجربه طولانی ارتباط تاریخی با خاورمیانه، قفقاز و آسیای مرکزی دارد و پل ارتباطی این مناطق با اروپا محسوب می‌شود. لذا با ایفای نقش منطقه‌ای، باید از این موقعیت خود برای ورود به غرب استفاده کند.

با توجه به اولویت مسائل منطقه‌ای برای ایران، دو کشور باید منافع و نگرانی‌های یکدیگر را درک کرده و به آنها احترام گذارند. ایفای نقش منطقه‌ای در سطح خاورمیانه، غرب آسیا و آسیای مرکزی بدون توجه به جایگاه منطقه‌ای ایران امکان‌پذیر نخواهد بود. به همین دلیل، ایران از سیاست جدید ترکیه استقبال نموده و از آن حمایت می‌نماید.

نبی سنبلی

مرکز مطالعات آسیا و اقیانوسیه

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی